

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

دیگر اقوال بیان شده در تمسک به عام در شبهه مصداقیه

مرحوم شیخ انصاری قدس سره در تمسک به عام در شبهه مصداقیه تفصیلی داده‌اند و مرحوم آخوند خراسانی نیز از ایشان تبعیت کرده‌اند. مرحوم شیخ فرموده است: تمسک به عام در شبهه مصداقیه در جایی که مخصص لفظی است، جایز نیست؛ اما در جایی که مخصص لَبِّي باشد (یعنی غیر لفظی و از قبیل اجماع یا حکم عقل باشد)، تمسک به عام صحیح و جایز است. مرحوم آخوند از این نظریه تبعیت می‌کنند؛ مرحوم محقق اصفهانی نیز ابتدا این نظریه را تحکیم، و بعد مورد مناقشه قرار می‌دهد؛ پس از آن خود ایشان تفصیل دیگری را ذکر می‌کنند. مرحوم امام رضوان الله علیه نیز با نظریه مرحوم آخوند و شیخ مخالفت کرده و می‌گویند همان‌گونه که تمسک به عام در مخصص لفظی جایز نیست، در مخصص لَبِّي هم جایز نیست. مرحوم محقق خوئی قدس سره هم با نظریه مرحوم آخوند، و هم با نظریه استادشان مرحوم نائینی مخالفت کرده و تفصیل دیگری را ذکر می‌نمایند. بنابراین ما باید هم نظریه آخوند را بیان کنیم، هم کلام مرحوم اصفهانی، هم کلام مرحوم نائینی، هم کلام مرحوم محقق خوئی و هم کلام امام رضوان الله علیه را؛ و در آخر نتیجه گیری نمائیم.

بیان مرحوم آخوند خراسانی

بیان مرحوم آخوند بر حسب آنچه در کتاب کفایه آمده این است که ایشان همان تفصیل شیخ را پذیرفته و می‌فرمایند: تمسک به عام در شبهه مصداقیه در جایی که مخصص لَبِّي باشد، جایز است؛ اگر مولا گفت: «أُكْرِمُ الْعُلَمَاءَ» و عقل بگوید که عالم ظالم نباید اکرام شود، اگر در مورد یک عالمی شک کنیم که عنوان ظالم دارد یا نه؟ می‌توانیم به عموم أَكْرِمُ الْعُلَمَاءَ تمسک کنیم.

مطالب موجود در کلام مرحوم آخوند

مجموعاً سه مطلب در فرمایش مرحوم آخوند وجود دارد: **مطلب اول** فرموده‌اند: مخصص لبی اگر به اندازه‌ای واضح و روشن باشد که متکلم بتواند بر وضوح آن اعتماد کند، (یعنی: متکلم بدون بیان، خود، می‌تواند بر این مخصص اتکال و اعتماد کند). حکم مخصص لفظی متصل را دارد؛ همان طور که در مخصص لفظی متصل از اول ظهوری برای عموم منعقد نمی‌شود و نمی‌توانیم تمسک به عام در شبهه مصداقیه داشته باشیم، در مخصص لبی با چنین وضوحی نیز نمی‌توانیم به عام تمسک کنیم.

مطلب دوم فرموده‌اند: اگر مخصص لبي به این اندازه واضح نیست، مثلاً از راه حکم عقل آن را می‌فهمیم اما یک حکم عقلي ضروري نیست؛ یا ممکن است از راه اجماع آن را بفهمیم.

به هر حال، به گونه‌ای نیست که متکلم بدون بیان بتواند بر آن تکیه و اعتماد کند، — مرحوم آخوند می‌فرماید: — این نوع از مخصص لبي در یک جهت مانند مخصص لفظي منفصل است و از یک جهت نیز با آن افتراق دارد. جهتي که مانند مخصص لفظي منفصل است، این است که در اینجا انعقاد در عموم محقق می‌شود؛ همان طور که در مخصص لفظي منفصل برای دلیل عام ظهور در عموم محقق می‌شود. اما فرقیان در این جهت است که در مخصص لفظي منفصل، تمسک به عام در شبهه مصداقيه جایز نیست؛ اما در این نوع از مخصص لبي که خیلی واضح و روشن نیست، تمسک به عام در شبهه مصداقيه صحیح است.

دلیل مرحوم آخوند بر جواز تمسک به عام در این فرض : حال، اگر کسی از مرحوم آخوند سؤال کند به چه دلیل این حرف را می‌زنید؟ مرحوم آخوند یک دلیل و یک مؤید و شاهد می‌آورند که شاید آن شاهد را هم بتوان به عنوان دلیل قرار داد. **دلیل ایشان** این است که در جایی که مخصص لفظي است، دو حجت از طرف مولا القاء شده است؛ مولا به عبدش می‌گوید «أکرم العلماء» بعد به دلیل منفصل می‌گوید «لا تکرّم الفساق من العلماء» ، در اینجا دو حجت از طرف مولا القاء شده و ما نمی‌دانیم که فرد مشتبه داخل در کدام یک از این دو حجت است؛ اما در ما نحن فیه، یک حجت بیشتر نداریم؛ مولا فقط «أکرم العلماء» گفته است، ولی ما زمانی که به عقلمان و یا به اجماع مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم که اکرام ظالم حرام است. در این مورد تنها چیزی که می‌تواند با این یک حجت مقابله و مخالفت کند، قطع به خلاف است. اگر مخاطب و مأمور در موردی قطع دارد که مولا در آن مورد اکرام را نمی‌خواهد، باید بر طبق قطع خودش عمل کند؛ اما در غیر از مورد قطع، هر چند مورد مشتبه، چون این حجت شامل آن می‌شود، پس، باید به حجت عمل کند.

شاهد این دلیل : بعد مرحوم آخوند می‌فرمایند: **والشاهد علی ذلک** مراجعه به سیره عقلانیه است. دلیل برای اصالة العموم و اصالة الظهور سیره عقلا و بنای عقلا است؛ هنگامی که به عقلا مراجعه می‌کنیم، آنها می‌گویند اصالة الظهور در مخصص لبي جریان دارد؛ یعنی اگر یک عامی داشتیم و یک مخصص لبي، در مورد مشتبه به اصالة العموم عام (یعنی اصالة الظهور) تمسک می‌کنیم؛ اما در جایی که مخصص، مخصص لفظي منفصل است، عقلا اصالة العموم و اصالة الظهور را جاری نمی‌کنند. اصالة الظهور هم که یک اصل عقلي است و نه تعبدی شرعی، بنابراین در هر موردی که عقلا آن را جاری کردند ما هم باید در آنجا آن را جاری کنیم.

مطلب سوم آخوند می‌فرمایند: حال که در مخصص لبي می‌توانیم به اصالة العموم تمسک کنیم، نتیجه می‌گیریم که مورد مشتبه از افراد خاص خارج است. مثالی نیز می‌زنند به این صورت که دلیل عام می‌گوید «يجوز لعن بني أمية قاطبة»، همه بني امیه را می‌شود لعن کرد؛ دلیل مخصص که لبي است به این صورت است که ما می‌دانیم لعن مؤمن حرام است و نمی‌توان مؤمن را لعن کرد. حال، اگر در مورد یک نفر از بني امیه شک کنیم که آیا مؤمن است یا مؤمن نیست؛ اینجا گفتیم به اصالة العموم تمسک می‌کنیم که می‌گوید لعن او جایز است. نتیجه دیگری که در اینجا بدست می‌آوریم آن است که «کلّ من يجوز لعنه لا يكون مؤمناً» ، هر کسی که لعنش جایز است، مؤمن هم نیست.

کلام مرحوم محقق اصفهانی

مرحوم محقق اصفهانی **أعلي الله مقامه الشریف** در جلد دوم «نهاية الدرايه» صفحه 456 بیان دیگری برای فرق بین مخصص لفظي و مخصص لبي ذکر می‌نمایند؛ مبني بر آن که وقتی یک عامی از متکلم صادر می‌شود، دو جهت را برای ما افاده می‌کند؛

یک جهت عدم المنافاة است و جهت دوم عدم وجود المنافي. هنگامی که مولا می‌گوید «أكرم العلماء»، جهت اول این است که با عنوان عالم، عنوان دیگری منافات ندارد؛ وقتی می‌وید أكرم العلماء یعنی بما أنه عالم باید اکرام شود، هر عنوان دیگری هم می‌خواهد داشته باشد. ما باشیم و أكرم العلماء، اگر دیدیم عالمی فاسق است، می‌گوییم أكرم العلماء عموم و اطلاق دارد، شامل این فرد هم می‌شود. جهت و نکته دوم این است که در میان افراد علماء در خارج، منافی هم وجود ندارد؛ به عبارت دیگر، اصالة العمومي که در أكرم العلماء جاری می‌کنیم، هم در شبهه حکمیه جاری می‌شود و هم در شبهه موضوعیه؛ در شبهه حکمیه می‌گوییم: مولا گفته است «أكرم العلماء» آیا عنوان فاسق با این منافات دارد؟

اصالة العموم می‌گوید نه، منافات ندارد. در شبهه موضوعیه هم اگر عالمی را پیدا کردیم که شک کنیم آیا منافی در این فرد عالم وجود دارد یا نه؟ اصالة العموم می‌گوید: نه، این فرد را هم باید اکرام کنید. در مورد مخصص لفظی منفصل، مخصص لفظی با هر دو جهت مقابله می‌کند؛ اگر مولا گفت «لاتكرم الفاسق من العلماء»، این مخصص اولاً می‌گوید که مولا بیان می‌کند که با عنوان عالم، عنوان دیگری به نام فاسق منافات دارد؛ یعنی می‌گوید: عالم به تنهایی موضوع برای حکم من نیست، بلکه فاسق نبودن او نیز منظور نظر است. ثانیاً برای آن که ذکر «لا تكرم الفاسق من العلماء» لغو نباشد، باید بگوییم لا اقل، فی الجملة در میان علماء، فاسق نیز وجود دارد؛ والا کلام مولا لغو و عبث می‌شود.

پس «لاتكرم الفاسق» علاوه بر این که می‌گوید عنوان فاسق با عنوان عالم منافات دارد، می‌گوید منافی (یعنی: فاسق) نیز وجود دارد؛ و اگر مثلاً صد نفر عالم در خارج وجود دارد، چند نفر از آنان فاسق است. اما در مورد مخصص لَبِّي، چون آن را مولا نگفته است بلکه یا عقل گفته و یا از راه اجماع بدست آمده است، فقط ویژگی اول وجود دارد. مخصص لبی فقط می‌گوید عنوانی که با عنوان عام منافات دارد، در عالم خارج موجود است؛ اما - خصوصیت دوم - این که بگوید در عالم خارج منافی نیز موجود است، بر این دلالت ندارد؛ ممکن است باشد و ممکن است نباشد. حال، که دلالت بر وجود منافی ندارد، در مورد فرد مشتبه، عام حجتی است که از طرف مولا آمده و شاملش می‌شود، و چون در مقابل این حجت، حجتی نداریم، تمسک به عام صحیح خواهد بود.

لذا، به این بیان مرحوم اصفهانی تمسک به عام در شبهه مصداقیه در مخصص لبی را جایز می‌دانند. اما از آنجا که معمولاً دأب مرحوم اصفهانی این است که اول کلام مرحوم استادشان (مرحوم آخوند) را محکم می‌کنند و بعد گاهی آن را می‌پذیرند و گاهی هم رد می‌کنند، در اینجا بعد از این که این بیان را می‌فرمایند، این عبارت را دارند که «إلا أن مجرد عدم كشف المخصص اللَّبِّي عن وجود المنافي بين أفراد العام لا يصحَّ التمسك بالعام»، می‌فرمایند: بله، ما قبول داریم مخصص لبی کشف از وجود منافی نمی‌کند اما این مقدار که بگوییم الان ما نمی‌دانیم در بین افراد عام منافی موجود است یا نه؟ مخصص لفظی کشف از وجود منافی دارد اما مخصص لبی کشف از وجود منافی ندارد. اما می‌فرماید: این عدم کاشفیت به ما اجازه نمی‌دهد که به عام تمسک کنیم؛ برای اینکه یک مانع مشترک بین مخصص لفظی منفصل و مخصص لبی داریم که نمی‌گذارد تمسک به اصالة العموم کنیم. مانع این است که بالاخره این فرد بعد وجود اصل التخصيص (لفظی یا لبی)، مردد می‌شود بین این که آیا داخل در عام است یا خارج؟

ما زمانی می‌توانیم به اصالة العموم تمسک کنیم که این فرد، مسلماً داخل در عام باشد. لذا، می‌فرمایند: به نظر ما فرقی نمی‌کند در عدم جواز تمسک به عام در شبهه مصداقیه، که مخصص لفظی باشد یا لبی. مرحوم امام رضوان الله علیه نظیر این فرمایش مرحوم اصفهانی را دارند و می‌فرمایند: بالاخره بعد از اصل تخصیص نمی‌دانیم که مراد جدی مولا بر این فرد مشتبه منطبق است یا نیست؟ بعد از تخصیص، باید بگوییم موضوع در دلیل عام، عالم غیر فاسق است و در مورد فرد مشکوک نمی‌دانیم که آیا عالم غیر فاسق است یا نیست؟

و می‌فرماید: این که مرحوم آخوند به سیره عقلائیة تمسک کرده‌اند، «عهدتها علیه»؛ یعنی مجرد دعواست و می‌خواهند بفرمایند:

به نظر ما، عقلا بین این دو مورد فرقی نمی‌گذارند؛ همان طور که اصالة الظهور و اصالة العموم را در مخصص لفظی منفصل در عام جاری نمی‌کنند، در مخصص لپی هم جاری نمی‌کنند. کلام امام در جلد دوم «مناهج الوصول» صفحه 251 یا 252 ذکر شده است که مراجعه فرمائید. کلام مرحوم نائینی و مرحوم آقاي خوئي باقي ماند که هر دو را پیش مطالعه بفرمایید تا فردا إن شاء الله بیان آنها را هم ذکر کنیم و بعد، تحقیق در مطلب را عرض کنیم. والسلام.